

موزه‌ای که با اقتباس از یک رمان ساخته شده است

موزه بی‌گناهی

فاطمه شاهرزایی

Taburchi@newholidays.ir

موزه‌ای که اسمی عجیب و غریب دارد، موزه معصومیت. در موزه معصومیت چه چیزهایی به نمایش در می‌آیند. آیا این موزه قرار است تاریخ معصومیت در جهان را بر اساس اشیای بازممانده و فیلم‌ها و سکنس‌ها و اسلایدها و روایت‌ها و قصه‌ها بازگو کند؟ مگر معصومیت محالی برای تاریخ‌دار شدن داشته است؟ آدم و حوا همان اول این تاریخ را از بین برده‌اند. با همه این حرف‌ها معصومیت موزه‌ای است در استانبول که با اقتباس از رمان اورهان پاموک نویسنده ترک و برنده جایزه نوبل توسط خود نویسنده ساخته شده است.

از گاه به ملاقات فسون و خانواده‌اش می‌رود. او در این ملاقات‌ها می‌کوشد بی‌آن‌که کسی متوجه شود اشیاء کوچک و می‌آرزوش را با خود بیاورد که متعلق به فسون هستند. اشیایی که او زمانی از آن‌ها استفاده یا حتی لمس کرده است. کمال کوکم از این اشیاء جمع‌آوری شده برای خود موزه‌ای خصوصی تشکیل می‌دهد. موزه‌ای که پاموک اسم موزه معصومیت روی آن گذاشته است.

پاموک عقیده دارد برای بازدید و لذت بردن از موزه نیازی نیست که حتماً کتاب خوانده شود. موزه به حد کفایت کتاب را توضیح می‌دهد و به بخش‌های آن اشاره می‌کند. این دو پروژه یعنی رمان و موزه به شکل عمیقی در هم تنیده شده‌اند؛ اما می‌توان ادعا کرد که به طور مستقل هم می‌توانستند وجود داشته باشند.



هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره ۱۲۴ - صفحه ۱۳



می‌تواند درست مانند رمان‌ها، داستان خصوصی اشخاص را بیان کند و به نمایش بگذارد.

البته معنی‌اش این نیست که بخواهیم اهمیت مکان‌هایی مانند موزه لوور، متروپولیتن، کاخ توپکاپی، موزه بریتانیا، موزه پرادو، بزرگ‌ترین موزه‌های هنری دنیا یا موزه وانگن را بی‌اهمیت جلوه دهیم و نقش آن‌ها را که به خوبی و زیبایی تمام تاریخ بشریت را به نمایش می‌گذارند انکار کنیم؛ اما با این حال می‌خواهم بگویم که این مکان‌ها یا این اسوه آثار باارزش، نمی‌توانند به عنوان مثالی برای آینده موزه‌ها در نظر گرفته شوند. موزه‌ها باید جهان انسان معاصر مدرن را کشف کرده، به نمایش بگذارند. به‌خصوص باید نشان دهند که کشورهای در حال توسعه چگونه با سرعت تلاش می‌کنند تا متحول شوند.

زندگی مردم استانبول در موزه

موزه معصومیت که در سال ۲۰۱۱ تأسیس شد، شکل جسم یافته و زنده شده رمان اورهان پاموک است. پاموک در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت این یک موزه تاریخی نیست؛ اما چیزهایی از آن را نیز در خود نهفته دارد و آرایه کننده زندگی مردم شهر استانبول است.

موزه عمارتی قرمز رنگ در چهار طبقه است که زندگی مردم استانبول در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ را به نمایش می‌گذارد. پاموک گفته زندگی‌های روزگه ما بسیار باشکوه است و موضوع‌های آن‌ها باید محافظت شود. این موزه بیان‌کننده همه چیز درباره پیروزی‌ها یا گدشته نیست، بلکه موزه مردم و موضوع زندگی آن‌هاست.

فکر رانندگی موزه بیش از ده سال است که به ذهن پاموک رسیده. این موزه شامل اشیایی جمع‌آوری شده که نویسنده خودش آن‌ها را از مغازه‌ها

موزه‌های آینده‌آل

اورهان پاموک مدیریتش برای موزه‌ها در آینده دارد. او می‌گوید همین موزه‌ها را دوست دارم و می‌توانم مانند خیلی از مردم، روزبه‌روز چیزهای پادی از دیدن آن‌ها بیاموزم. اما از آن‌جا که من موزه‌ها را خیلی جدی می‌گیرم یعنی اوقات آفتابری در موزه آن‌ها به ذهنم خطور می‌کند که اعت معصومیت می‌شود البته نمی‌خواهم با معصومیت در مورد موزه‌ها حرف بزنم. وقتی بچه بودم موزه‌های استانبول خیلی کم بود. موزه‌ها هم معمولاً بناهای تحت حمایت میراث فرهنگی یا ساختمان‌های دولتی بیایی بودند که آدم در کشورهای در حال توسعه کمتر نمونه‌شان می‌بیند. بعدها زمانی که موزه‌های کوچکی را در اروپا دیدم که در قیابان‌های فرعی پنهان شده بودند، متوجه این مسئله شدم که موزه‌ها



زندگی در خانه سرخ

سه نویسنده در یک خانواده امیلی، شارلوت و آن برونته، کم نبودند خانواده‌هایی که چندین هنرمند و اندیشمند جهانی در آن‌ها پرورش پیدا کرد. خواهران و برادرانی که تولیدات هنری یا نوشته‌هایشان را با کمک هم تکمیل و عرضه کردند. برادران دارفن و برادران گوئن در سیلما، برادران وارنر، برادران کولین و... امیلی و شارلوت برونته رمان‌هایی را در کنار هم نوشتند و با همین رمان‌ها هم به شهرت دست پیدا کردند. شهرتی که قرن‌ها بعد هم ادامه دارد و به خدمت توریسم هم آمد. دوستداران آن‌ها از سراسر جهان به هر چیزی که به آن‌ها مربوط باشد علاقه نشان می‌دهند و این یعنی کمک آن‌ها به رونق گردشگری.



فاطمه شاهچراغی

fatemeh@newholidays.ir

از نادرترین نسخه‌های خطی شارلوت برونته که حاوی شعر همراه با استایلو است به مبلغ ۵۰ هزار دلار خریداری شده است که این اثر همراه با مجموعه‌ای از نقاشی‌های مدادی متعلق به امیلی برونته و نیز تحریر شارلوت در این موزه قرار خواهند گرفت.

برای برخی از وسایل امیلی برونته که در این موزه هاورت به نمایش در می‌آید ۳۲ هزار پوند پرداخت شده است. اخیراً هم یک نقاشی از سه خواهر هزارن پوند به فروش رفت. هر از چندی هم داستان نازهای از یکی از خواهرها که جایی پنهان بود یا در موزه‌ای غیرمشهور نگهداری می‌شد پیدا و منتشر می‌شود.

چندسال پیش بود که داستان کوتاهی از شارلوت برونته در موزه‌ای در بلژیک پیدا شد. هرایان برکن، آرشویست و متخصص آثار خواهران برونته است که این دست‌نوشته‌ها را در موزه سلطنتی هارلمونت، بلژیک یافته است.

امیلی و آن به فاصله شش ماه در سال‌های ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹ در اثر ابتلا به بیماری سل درگذشتند. اما شارلوت به نوشته ادامه داد، برعکس خواهرانش ازجواب کرد و در مارس ۱۸۵۵ درگذشت.

یادگاری‌هایی پراکنده در جهان

خانه‌ای که این سه خواهر در انگلستان در آن زندگی می‌کردند تبدیل به موزه شده است. این خانه که از قدیم به «خانه سرخ» معروف است جایی است که ۳ خواهر داستان‌نویس دوران نوجوانی و جوانی خود را در آنجا گذرانده‌اند. خانه آن‌ها از چند دهه پیش تبدیل به موزه و محلی برای حضور گردشگرانی علاقمندان و طرفداران این ۳ نویسنده بوده. این خانه که در غرب شهر «یورک شایر» واقع است به طور سالانه نیاز به بیش از ۶۰ میلیون پوند بودجه برای ساماندهی و مدیریت دارد.

از این رو مدتی این موزه تصمیم گرفت برای مدت کوتاهی این موزه را تعطیل کند تا برای تهیه معارج و بودجه مورد نیاز برای نگهداری و مراقبت از این خانه تدمیری ببندد. این موضوع موجب شد تا هواداران این ۳ نویسنده و دوستداران او به ویژه بنیاد او مخالفت خود را با تعطیلی این عمارت اعلام کنند. این گروه اعلام کردند که راهکارهایی را بررسی می‌کنند تا مانع از بسته شدن موزه خواهران برونته معروف به خانه سرخ شوند.

شهردار «یورک شایر» هم بر این باور است که موزه خواهران برونته یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های توریستی منطقه است و بسته شدن آن لطمه زیادی به گردشگری و جنب توریستی‌ها به این منطقه خواهد زد. به دلیل همین تلاش‌ها اسامی موزه از بسته شدن نجات پیدا کرد. خانه اکنون به همان شکل درآمده که ۱۵۰ سال پیش طراحی و تزئین شده بود. محققان دانشگاه لیکن بخش‌هایی از دیوارهای این خانه را مورد بررسی قرار داده و به ۱۸ لایه از رنگ و کاغذ دیواری رسیدند که در میانه قرن نوزدهم دیوارهای این بنا را تزئین کرده بود. تمام اتاق‌های متعلق به این سه نویسنده دوباره طراحی شده‌اند و دکوراسیون آن‌ها به شیوه‌ای اصلی تفسیر پیدا کرده است. شارلوت، امیلی و آن همراه با بنر و برادرشان در این مکان سکونت داشتند و «جین ایر» و «هلندی‌های مادگبر»، شاهکارهای ادبیات کلاسیک را در آنجا به رشته تحریر درآوردند.

غیر از این موزه یادگاری‌های دیگری هم از سه خواهر به جا مانده. مثلاً در خراچی نیویورک یکی

سه داستان‌نویس در یک خانه

برونته‌ها سه خواهر انگلیسی بودند که کتاب‌هایشان در دهه‌های ۲۰ و ۵۰ قرن نوزدهم میلادی منتشر شد و رمان‌هایشان در زمره آثار کلاسیک ادبیات جهان بود. هر سه با هم سه سال اختلاف سنی داشتند و شارلوت از همه بزرگتر بود و از همه هم دیرتر از دنیا رفت. آن‌ها در فاصله ۱۸۱۶ تا ۱۸۵۵ زندگی می‌کردند و پدرشان روحانی سختگیری بود که در زندگی آن‌ها را زیاد زجر می‌داد. هر سه خواهر به عنوان آموزگار و همچنین معلم سرخانه به فعالیت پرداختند. در سال ۱۸۴۳ شارلوت و امیلی برای یادگیری و تقویت زبان فرانسه به بروکسل رفتند و خیلی زود پس از شنیدن خبر مرگ عمشان الیزابت که بعد از مرگ مادر، عهده دار نگهداری آن‌ها بود به زادگاه خود بازگشتند.

اولین اثری که سه خواهر منتشر کردند کتاب شعری بود که آن را با هزینه خود و با اسپهاری مستعار به بازار دادند.

این کتاب موفقیتی بیست نیابورد و بعد از آن خواهرها به فکر نوشتن رمان افتادند. آن برونته اکتس‌گری را نوشت و شارلوت جین ایر را و جین ایر به سرعت پرفروش شد. یک سال بعد امیلی رمان هلندی‌های مادگبر را منتشر کرد که یکی از مهم‌ترین رمان‌های کلاسیک به حساب می‌آید.



هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره: ۱۲۱ شماره صفحه: ۱۳

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۷

ادبیات خواهر خوانده گردشگری

داستان یک اتاق پرماجرا

دلبران بود نزدیک شدیم. این قایق نمادی است از قدرت آدمی و نبوغش چیزی که باعث می‌شود آدم به خیلی چیزها خوش‌بین‌تر بشود همه آن چیزهایی که برای ما سد محسوب می‌شود... وقتی ساختن یک همچین چیزی محقق شده یعنی ساختن خیلی چیزهای دیگر هم توی این دنیا شدنی است.*

مهم‌اندر مشاهیر

در طول یک سال گذشته نویسندگان، شاعران و هنرمندان مختلفی به «اتاقی برای لندن» رفته‌اند و شای یا چند شب را در این هتل یک اتاق خوابه گذرانده‌اند و اثری که خلق کرده‌اند تبدیل به کتابخانه‌ای از داستان و شعر و نقد و موسیقی شده که روی سایت این پروژه موجود است و چند ساعت سر آدم را برست و حسابی گرم می‌کند.

ادونیس جنت وینترسن کلم توین خوان گابریل و اسکوتز مایکل اپناتیه کلیلا شمسی و نویسندگان هستند که چند شبی را در این قایق که نزدیک رودخانه تیمز و روی تالار فرهنگ کوبین الیزابت لنگر گذاشته شهر را تماشا کرده‌اند و نوشته‌اند.

جنت وینترسن هم از تجربه گذراندن چهار شب در این قایق این طور گفته: «من اینجا بالای رودخانه تیمز توی این قایق نشستام هوای دل‌چسبی است باد می‌آید و رطوبت دارد از من خواستند بیاد اینجا به این رودخانه فکر کنم به لندن به جوزف کنراد اینکه بوم توی این قایق تک‌وتنها ولی در دا جمعیت شلوغ این منطقه چه حال و هوایی می‌تواند داشته باشد»

وینترسن نوشته: «هر روزی که من آمدم اینجا مشغول نوشتن مطلبی در مورد کشتی تایتانیک بودم جوزف کنراد از تایتانیک متغیر بود می‌گفت تایتانیک شبیه قوطی‌های حلبی بیسکویت است. وقت تایتانیک سقوط کرد کنراد داستان سفر خودش را روی کشتی نوشته بود. کنراد فکر می‌کرد زندگی روی دریا امن نیست و همین دلیل خوبی است که زندگی‌ات را روی دریا بگذرانی روی دریا تو هر چه باشی خود واقعی‌ات خیلی زود خودش را شروع می‌کند به نشان دادن»

این روزها اجاره «اتاقی برای لندن» برای همه مردم آزاد است. همه می‌توانند برای شبی این قایق میار خشکی و آسمان را اجاره کنند تجربیاتشان را بنویسند و در دفتر یادگاری‌های این قایق آن‌ها را ثبت کنند اتاقی که در دل دنیای ادبیات و توریسم جای گرفته و این دورا به هم پیوند می‌زند.

یک اتاق عجیب
آلن دوپان نویسنده بریتانیایی یکی از صاحبان شرکت معماری است که ساختمان‌هایی غیرعادی می‌سازد و معماری را بیش از پیش تبدیل به هنر کرده‌اند. آن‌ها می‌خواهند مردم نگاه دیگری به معماری مدرن داشته باشند و معماری اعجاب‌انگیز بیشتر از پیش در دسترس آن‌ها باشد و تنها به جاهای دولتی و موزه‌ها و شرکت‌ها و آدم‌های پولدار نباشد. پارسل این شرکت تصمیم گرفت مسابقه‌ای برگزار کند و از همه معمارهای سراسر دنیا دعوت کرد که در این مسابقه شرکت کنند و بنای درخوری برای لندن پایتخت این سرزمین بسازند جایی که اسمش «اتاقی برای لندن» است. ۵۰۰ طراح در این مسابقه شرکت کردند و برنده مسابقه دو طراح بودند که با الهام از قایقی که جوزف کنراد در قرن نوزدهم با آن به رود گنگو سفر کرده بود اتاقی برای لندن را طراحی کردند. این سفر و قایق بعدها کنراد را به نوشتن رمان کوتاه «دل تاریکی» مجبور کرد.

این قایق جدید که نام قایق جوزف کنراد را روی آن گذاشته‌اند شامل اتاقی دوتخته با یک آشپزخانه کوچک و کتابخانه و یک میز است. پنجره این قایق رو به نمایی از لندن باز می‌شود.

قایق که ساخته شد این شرکت معماری با شرکت دیگری که کارش ارائه خدمات به هنرمندان است وارد همکاری شد. این اتاق را به هنرمندان سپرد تا فضایی هر چه خاص‌تر برای خلق آثارشان داشته باشند اینکه طراح از هفت دولت جایی در خلوت خاصی که این شرکت برایشان می‌سازد بنشینند و کار خوب بنویسند و بسازند. قایق بالای سقف تالار کوبین الیزابت یکی از سالن‌های معروف لندن نصب شد جایی که کاملاً به رودخانه تیمز مسلط است و از پنجره‌اش می‌توان هم چرخ‌فلک بزرگ لندن را دید و هم کلیسای جامع سنت‌پل لندن را با کبند گرد معروف‌اش. دوپان در تعریف این اتاق و قایق می‌گوید: «از نظر شرکت ما این قایق یک هتل یک‌خوابه است اما نگاه شرکت همکار با ما فرق دارد. آن‌ها می‌خواهند که از این فضا به عنوان یک فضای فرهنگی و جایی برای مقاصد فرهنگی استفاده بشود فضایی که بتواند به نویسنده‌ها هنرمندان و موسیقی‌دان‌ها این امکان را بدهد که خلق کنند و این قایق منبع الهامشان بشود»

آلن دوپان می‌گوید: «معماری واقعا مقوله سنگینی است و آرزوی همه ما این است بتوانیم کاری کنیم که درک و هضم معماری را برای مردم راحت‌تر کنیم. با ساختن این قایق ما واقعا به چیزی که توی



قلعه شاهچراغی

iranholidays.com

گردشگری ادبی که یکی از پررونق‌ترین انواع گردشگری در یک دهه اخیر است راه‌های تازه‌ای برای بیشتر رونق بخشیدن به خود را کشف و امتحان می‌کند. برای استقبال از این نوع از توریسم ادبیات جهان شخم زده می‌شود و هر آنچه به درد گردشگری می‌خورد از دل آن بیرون کشیده می‌شود. هر کتاب مهمی که در آن از جغرافیای واقعی صحبت کرده باشد روی نقشه می‌آید و مورد استفاده قرار می‌گیرد. نویسندگان و شاعران بسیاری هم هستند که خودآگاه یا ناخودآگاه به توریسم کمک می‌کنند. یکی از این نویسندگان آلن دوپان است که احتمالاً کتاب هنر سیر و سفر او را خوانده‌اید یا چیزهایی در موردش شنیده‌اید. او برای نوشتن کتاب دیگری ساعت‌ها در فرودگاه هینرو لندن نشست تا مسافران چمدان به دست را تماشا کند و پارسل هم قدم دیگری برداشت که گردشگران را بیش از پیش به لندن کشاند.



هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره: ۱۱۹ شماره صفحه: ۱۳

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۱/۲۴

{ قدم زدن در زندگی فیتزجرالد }

خانه‌ای که الهام بخش "گتسبی بزرگ" بود

فاطمه شاهچراغی

fatmeh@newholidays.ir

مهمانی‌های باشکوه در خانه اربابی

اسکات فیتزجرالد نویسنده آمریکایی در ۱۸۹۶ زاده شد و در ۱۹۴۰ در سن چهل و چهار سالگی درگذشت. هنگامی که ۱۳ ساله بود نخستین رمان کارآگاهی خود را در روزنامه مدرسه به چاپ رساند. در ۱۶ سالگی برای کوتاهی در ترس خواندن از آکادمی سنت پاول اخراج شد. سپس به مدرسه نومن رفت و در سال ۱۹۱۳ میلادی وارد دانشگاه پرینستون شد. او از نویسندگان بزرگ لوبل قرن بیستم و معاصر ارنست همینگوی و ناتجین وست بود. فیتزجرالد تنها پنج رمان و تعداد زیادی داستان کوتاه از خود به جا گذاشته که مشهورترین آن رمان «گتسبی بزرگ» است که در ۱۹۲۵ منتشر شد.

«این سوی بهشت»، «زیبا و نازنین شده»، «شب شکننده است» و «آخرین غول» رمان‌های دیگر فیتزجرالد هستند. ماجراهای گتسبی بزرگ در نیویورک و لانگ ایلند و در تابستان سال ۱۹۲۲ اتفاق می‌افتند. نیک کرولی از اهالی غرب میانه آمریکاست و برای ادامه زندگی به ساحل شرقی آمریکا آمده است. او در همسایگی کسی به اسم گتسبی زندگی جدید خود را در غرب شروع می‌کند.

گتسبی خیلی ثروتمند است و بخاطر مهمانی‌های باشکوهی که



در خانه اربابی‌اش برگزار می‌کند شهره خاص و عام است. در مورد ثروت هنگفت او و اینکه این ثروت چگونه بدست آمده است شایعات زیادی بر سر زبان‌ها است. هیچ‌کس چیزی از گذشته او نمی‌داند.

نیک کرولی در ابتدا ریخت و پاش‌های بی‌معنی جشن‌های گتسبی که هر شبیه صدها مهمان در آن‌ها شرکت می‌کنند، را به دیده تحقیر می‌نگرد؛ اما حوادث دیگری پیش می‌آید. چاپ اول گتسبی بزرگ موفقیت چندانی کسب نکرد و در طول مدت ۱۵ سال باقی‌مانده از عمر فیتزجرالد فقط حدود ۲۵۰۰۰ جلد از آن به فروش رسید.

کتاب در سال‌های پایانی ۱۹۳۰ (دوران رکود اقتصادی بزرگ) و همچنین در خلال جنگ جهانی دوم به‌طور کلی به دست فراموشی سپرده شد؛ اما بعد از جنگ، در سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۵۳ تجدید چاپ شد و بلافاصله خوانندگان و طرفداران بی‌شماری یافت. گتسبی بزرگ همچنان یکی از بزرگ‌ترین رمان‌های آمریکایی به شمار می‌آید و آن را در مدارس و دانشگاه‌های سراسر جهان (در رشته ادبیات آمریکا) به‌عنوان یکی از کتب استاندارد تدریس می‌کنند.

خانه اربابی فیتزجرالد

حالا خانه اسکات فیتزجرالد در آمریکا یکی از جاذبه‌های گردشگری است. همین چند روز پیش بود که اعلام شد خانه اسکات فیتزجرالد در شهر بالتیمور به قیمت ۴۵۰ هزار دلار برای فروش عرضه شده است.

این خانه شاهد حضور بسیاری از چهره‌های مطرح قرن بیستم بوده است. اسکات فیتزجرالد و همسرش زلدا به عنوان دو تن از برجسته‌ترین چهره‌های این قرن در فاصله سال‌های ۱۹۲۳ تا ۳۵ در این خانه زندگی می‌کردند.

این دومین خانه این زوج در شهر بالتیمور بود و در همین خانه بود که زلدا که از بیماری روانی رنج می‌برد، تحت درمان قرار گرفت. این خانه در سال ۱۹۰۰ ساخته شده و دارای چهار اتاق خواب است و خیلی از دوستداران فیتزجرالد مثل تکای از او به این خانه علاقه دارند.

خانه دیگر فیتزجرالد اما بزرگ‌تر بود و ۳۵ اتاق داشت اما تخریب شد. ختانی که متبع الهام اده اسکات فیتزجرالد برای نوشتن

رمان مشهور «گتسبی بزرگ» بود. چند بولدوزر این خانه را نابود کردند.

این عمارت به سبک معماری عمارت‌های دوران پادشاه جرج در اوایل قرن بیستم در سنتزپونت نیویورک بنا شده بود و مشرف به آب‌های لانگ ایلند سلوند بود.

در دهه ۱۹۲۰ این عمارت محل سکونت هربرت بی‌یارد سوپ، دبیر اجرایی روزنامه «نیویورک ورلد» و دوست بسیاری از چهره‌های سرشناس ادبی «غوغای دهه بیست» از جمله فیتزجرالد شد.

این بنا در سال‌های اخیر خالی از سکنه بود. برت برودسکی بنیانگذار کمیته فنپوری سلامت این عمارت را سال ۲۰۰۴

خریداری کرد.

او قصد داشت به این عمارت با اتاق‌های بسیار نقل مکان کند، اما خاندانش موافق نبودند.

او پس از مدتی موافقت خانواده‌اش را جلب کرد تا در زمین ۱۳ هکتاری این عمارت پنج خانه بسازد.

همچنان بر سر اینکه فیتزجرالد واقعا براساس این عمارت مشهور رمان «گتسبی بزرگ» را خلق کرده جای شک و تردید است.

عمارت داستان شباهت بسیاری به این ساختمان دارد. رون پریگری، مدیر نخبمن اده اسکات فیتزجرالد معتقد است فیتزجرالد

در زمان نوشتن این رمان در مهمانی‌هایی که سوپ در این بنا برپا می‌کرد حضور به عمل می‌آورد و منظره عمارت و ساختار آن کاملا شبیه با توصیفات نویسنده در کتاب است.



هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره: ۱۱۸ شماره صفحه: ۱۳

تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۶



اسکات فیتزجرالد بدون نوشتن گتسبی بزرگ به چهره‌های محبوب برای گردشگران تبدیل نمی‌شد؛ اما حالا او و رمان معروفش یکی از جاذبه‌های بالتیمور آمریکا هستند. گتسبی بزرگ الهام بخش رمان‌های بسیاری بوده و اقتباس‌های ادبی و سینمایی بسیاری بر اساس آن شکل گرفته است و هنوز بعد از گذشت نزدیک به صد سال که از نوشته شدنش می‌گذرد، بازگشتش را حفظ کرده است.

گردش در خانه مرموزترین کارآگاه دنیا

دکتر واتسون از شما پذیرایی می‌کند

فاطمه شاهچراغی

fatemeh@newholidays.ir

زنده‌ترین کارآگاه تمام تاریخ است. هنوز هم بسیاری را پای کشفیات و داستان‌های خود می‌نشانند و محبوبیتش را در نسل‌های مختلف بالا می‌برد. شرلوک هولمز یکی از محبوب‌ترین کارآگاهها در جهان است و کسی نیست که با شگرتهای او برای کشف مجرم و جزئیات جرم آگاهی نداشته باشد. شرلوک هولمز مشهورترین شخصیت داستان‌ها و فیلم‌های پلیسی است و این شهرت به او وجهه گردشگری هم داده است. توره بین و کلاب معروفش هم به همراه او جهان را در می‌نوردد و لندن، شهری که او در آن زندگی می‌کرد به واسطه وجود این موجود خیالی محبوب‌تر شده. داستان‌های «شرلوک هولمز» به زبان‌های زیادی ترجمه شده‌اند و علاوه بر آن، سریال‌های تلویزیونی، کارتون و فیلم‌های سینمایی متعددی بر اساس آن‌ها ساخته شده‌اند. از جمله آثار معروف کاتب دویل به «علائم چهار»، «مسئله نپایی» و «هیولای بانکرویل» می‌توان اشاره کرد.

یک کارآگاه عجیب

آرتور کان دویل نویسنده و پزشک اسکاتلندی خالق مجموعه شرلوک هولمز است. او اولین کتاب «شرلوک هولمز» را در سال ۱۸۸۷ منتشر کرد و در ازای ۱۲۰ پوند به پول امروز این داستان را فروخت که در سالنامه بیش تر گریسنس چاپ شد. با اولین داستان، هولمز نشان داد که کارآگاهی متفاوت از پیشینیانش است. او که تا قدرتی از شیمی نیز رشته داشت، در آزمایشگاه کوچک منزلش لگه‌های خون به جا مانده از صحنه جنایت را تجربه می‌کند. کاری که در آن زمان حتی در اسکاتلند یابد هم

چندان متداول نبود. رفته رفته بشران دیگر هم به داستان‌های هولمز علاقه نشان دادند و به این ترتیب دویل تصمیم گرفت تا پزشکی را رها کند و تمام وقت خودش را به مخلوقش اختصاص دهد. البته در این میان خوانندگان هم نه تنها با ویژگی‌های منحصر به فرد شرلوک هولمز آشنا شده بودند، بلکه تصور تالیفی از چهره او نیز داشتند.



هولمز هرگاه درگیر پرونده‌ای می‌شد خوردن را از یاد می‌برد و هر زمان که با پرونده‌های جنایی همچون انگیزی سر و کار نداشت، مواد مخدر مصرف می‌کرد. به گفته دوستش واتسون، این تنها عیب و لطفه شعف او بود. از آن زمان تاکنون این کارآگاه تخیلی و همواره مجرد که به افق دوستش دکتر واتسون در خانه‌ای در خیابان بیگر لندن زندگی می‌کرده، برای نسل‌های مختلفی از خوانندگان و سپس تماشاگران تلویزیون محبوب بوده است. کاتب دویل در مجموع ۵۶ داستان کوتاه و بلند درباره شرلوک هولمز نوشته است. چند سال پیش چند محقق بعد از بررسی‌هایی که انجام دادند اطلاع کردند کان دویل از بیماری روان گسختگی رنج می‌برد و در نوآوری داستان‌های جنایی‌اش، به مشکلات روانی مبتلا بوده است. نتایج این مطالعه که در روزنامه «همپلر» گردیده به‌جای رسیدن نشان می‌داد، آشفتگی‌های روانی این نویسنده مشهور که احتمالاً ریشه ارثی داشته، تا حدی بوده که کان دویل ادعا می‌کرد که می‌تواند صحنه‌ای را از دنیای دیگر ببیند.

به عقیده برخی از این محققان اختلالات روانی خالق شرلوک هولمز در داستان‌های او به‌سبب آشنایی قبلی مشاهده است.

موزه هولمز و خانه خالقش

برای خیلی‌ها که تا به حال به لندن یا نیواکانتون این شهر یا داستان‌های هولمز معنا می‌گیرد موزه «شرلوک هولمز» در خیابان لاریخی بیکر لندن قرار دارد که البته وجود آن در این منطقه چندان عجیب نیست.

این موزه خانه هولمز، کارآگاه مشهوری را نشان می‌دهد که فرمان اصلی داستان «سر آرثور کان دویل» بوده است. این موزه ۹ طبقه دارد و به سبک معماری دوره ویکتوریا ساخته شده است. در طبقه همکف آن فروشگاه‌هایی هست که آثار مرتبط با هولمز مثل کتاب‌ها و یادگاری‌های او فروخته می‌شود.

در طبقه اول این موزه که مشرف به خیابان بیگر است اتاق شرلوک هولمز قرار دارد که به شیوای ماهره نشیبه آنچه در کتاب ماجراهای او ذکر شده، طراحی شده است. یکی از بخش‌های جالب توجه این موزه، حضور فردی به نام دکتر واتسون است که به بازدیدکنندگان خبر مقدم می‌گوید و آن‌ها را به نمایشات مدل‌های عموپایی تخصصی‌های مختلفی که در داستان‌های دویل حضور دارند راهنمایی می‌کند.

در این موزه، صندلی هولمز در کنار توشیه قرار دارد و ویس و وسایل آزمایش‌های شیمیایی او نظر هر بیننده‌ای را جلب می‌کند. در کنار ایستگاه خیابان بیگر نیز مجسمه نه فوتی شرلوک هولمز نصب شده است.

خانه کان دویل در اسکاتلند هم یکی از جاذبه‌های گردشگری است. خانه خالق شرلوک هولمز در منطقه لونسفرد اسکاتلند واقع شده و در آن وسایل شخصی از جمله کتابخانه او با ۹۰۰۰ کتاب نگهداری می‌شوند.

ستوان سعادت گردشگری بریتانیا بیشتر اطلاع کرده بودند با استفاده از شهرت شرلوک هولمز، گردشگران بیشتری را جذب این کشور به ویژه به شهر لندن می‌کنند. این در حالی است که در سال‌های گذشته، فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی که شخصیت داستانی شرلوک هولمز در آن‌ها حضور داشته است، ۳۰۰ میلیون دلار درآمدزایی داشته و در کل جهان، حدود ۱۲۰ میلیون نفر آن‌ها را دیده‌اند.

هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره: ۱۱۷ شماره صفحه: ۱۳

تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۱۹

{ برای شناخت فیلسوف مشهور {

کپنهاگ را پیاده گزر کنید



قلعه شامیرایی

fateme@newholidays.ir

دانمارک هم مثل بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی سهم خوبی از گردشگری ادبی برده است. هر چند در نگاه اول به نظر می‌رسد این کشور ادیب یا هنرمند شناخته شده‌ای که پای توریست فرهنگی را به شهرهای مختلفش باز کند ندارد اما با نگاه عمیق‌تر درمی‌یابیم یکی از مشهورترین نویسندگان جهان گریستین هانس اندرسن و همین‌طور هنری ایسن نماینده نوبل و کی یوگارد فیلسوف دانمارکی بوده‌اند و حالا به واسطه آن‌ها دانمارک کشوری محبوب برای گردشگران فرهنگی است.

جشن دوپست سالگی

اسم برای دوپستین سال تولد کی یوگارد فیلسوفی که در قرن هجدهم زندگی می‌کرد برنامه‌های مختلفی در ماه می در کپنهاگ برپاست. مسئولان دانمارک قصد دارند با برگزاری سدها برنامه و نمایشگاه پایتخت خود را به بهترین شهر برای توریسم ادبی در سال ۲۰۱۳ معرفی کنند. او هیچ وقت در طول زندگی‌اش از کپنهاگ خارج نشد و به در زمان حیاتش برای مردمی که بیرون از کپنهاگ و دانمارک زندگی می‌کردند شناخته شده نبود و نکته جالب ماجرا اینجاست که حالا کپنهاگ به واسطه او به مردم کشورهای دیگر بیشتر شناسانده می‌شود. او را زیاد دیده بودند که در خیابان‌های شهر برپه می‌زد و گشت و گذار می‌کرد. چون زمانی که در دانشگاه بود، از انجام تکالیف دینی لوثری دست کشید و برای مدتی یک زندگی اجتماعی فریادی را برگزید، و تبدیل به یک شخصیت آشنا در جامعه نمایشی و قهوه‌خانه‌ای کپنهاگ شد. اول طوفان هگل و فلسفه او بود اما بعدها از هگل رو برگرداند.



که او به آن قدم گذاشته باشد.

توریسم پیاده

کپنهاگ شهری که او در آن زندگی کرد و در گذشت هم یکی از مهم‌ترین شهرهای است که توریسم پیاده روی در آن به خوبی شکل گرفته است. این شهر، یکی از بزرگ‌ترین شهرهای پیاده‌دنیاست. اگرچه این شهر با شاخصه‌های میراث تاریخی و ورزش هم‌چون یک شبکه خیابانی قرون وسطایی بزرگ اعتبار یافته است اما به صورت مداوم در جهت بهبود کیفیت زندگی خیابانی خود در حال فعالیت بوده است. در ۴۰ سالگی که خیابان اصلی کپنهاگ - لسترگت - به یک محدوده کاملاً پیاده تبدیل شده است. برنامه‌ریزان شهری گام‌های کوچک بی‌شماری برای تغییر شکل شهر از یک مکان اتومبیل مدار به یک محیط شهروندگرا برداشته‌اند. فضاهای پیاده مدار مرکزی این شهر در طی یک برنامه ۴۰ ساله از ابتدای دهه ۱۹۶۰ تا اواخر قرن گذشته به بیش از ۶ برابر افزایش یافته‌اند. همین اقدامات سبب شد که کپنهاگ به عنوان یکی از موفق‌ترین شهرهای پیاده جهان در ژوئن سال ۲۰۰۴ پذیرای پنجمین کنفرانس بین‌المللی Walk ۲۱ با شعار شهرهایی برای مردم باشد. از گردشگاه‌های اصلی این شهر می‌توان از لسترگت نام برد که یک مرکز خرید به‌صورت خیابان‌های پیاده و بسیار طولانی است. اکنون بیش از ۶۸۰۰ نفر در مرکز شهر زندگی می‌کنند. آن‌ها وابستگی‌شان را به اتومبیل از بین برده‌اند و در شب هنگام پنجره‌های روشن آن‌ها به هابران پیاده حسی از امنیت می‌بخشد. معتدل‌ترین مقیاس شهر و شبکه خیابانی، پیاده‌روی را به یک تجربه رضایتبخش تبدیل کرده است. ساختمان‌های تاریخی کپنهاگ با حالت پذیرایشان، سایبان‌های محافظ و راهروهاشان، فضاهای کشف نشده‌ای برای مردم ایجاد می‌کنند که بااستند و بنشینند.

کپنهاگ اولین شهری بود که سامانه دوچرخه کرایه‌ای را برای تشویق مردم به استفاده از این شیوه حمل و نقل راه اندازی کرد. مردم می‌توانند دوچرخه‌های شهری را در حدود ۲ دلار و ۵۰ سنت کرایه کنند. زمانیکه استفاده آن‌ها تمام شد، به سادگی دوچرخه‌ها را در هر یک از ۱۱۰ توقفگاهی که در اطراف مرکز شهر واقع شده است، رها کرده و پول آن‌ها پس داده می‌شود. کاری که به رونق گردشگری در این شهر اضافه کرده است.

اسمال گردشگران در دوپستین سال تولد کی یوگارد در تورهایی شرکت می‌کنند که آن‌ها را پیاده در شهر می‌گرداند و گوشه‌هایی از زندگی این فیلسوف را برای آن‌ها نمایان می‌کند. آن‌ها می‌توانند سری هم به گورستان «اسپیتز» بزنند که آرامگاه کی یوگارد در آنجا و درست در برابر کتابخانه سلطنتی قرار دارد و مجسمه بزرگی از او هم در همان‌جا افراشته شده است.



هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره: ۱۱۶ شماره صفحه: ۱۳

تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۱۲

نویسنده قلعه حیوانات سال به سال محبوب‌تر می‌شود

یک فنجان چای دلچسب

جورج اورول با نوشتن کتاب «قلعه حیوانات» محبوبیت زیادی در همه جای دنیا به دست آورد. هر کس این رمان را دست گرفت نتوانست از همدات پنداری با آن جلوگیری کند. زمانی که هنوز بعد بیش از نیم قرن کهنه نشده است و خواننده دارد و یکی از پر فروش‌ترین رمان‌ها در جهان است. این کتاب به همراه رمان «۱۹۸۴» اورول را جاودانه کرد. باعث شد خیلی‌ها با نگاه او به جهان نگاه کنند. جاهایی که او در آن‌ها زندگی کرده و از آن‌ها نوشته بود برای بخشی از دستاوردش محبوب‌تر یا منفرتر شدند. خانه‌هایی که او در آن‌ها زندگی کرده حالا یکی از جاهایی است که گردشگران علاقه‌مند به او دوست دارند ببینند. تابلویی روی دیوار خانه‌ای که او در انگلستان در آن زندگی می‌کرده نصب شده و روی آن نوشته شده است: «جورج اورول برنده نوبل ادبی و مقاله نویس سیاسی اینجا زندگی می‌کرد» او به خاطر نوشتن رمان قلعه حیوانات برنده این جایزه شد.



ناظمه شاهچراغی

fatemah@newholidays.ir

همیشه مسافر

جورج اورول با نام واقعی اریک آرثور بلر در سال ۱۹۰۳ در شهر موتیهایری در ایالت بهار هندوستان به دنیا آمد. پدر و مادرش انگلیسی بودند و اورول کودک که بود همراه آن‌ها به انگلستان رفت. از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۷ در برمه جزئی از نیروهای پلیس بود. جوانی که بود برای اینکه تجربه کسب کند مدتی را در بین فقرا، بی‌خانمان و کارگران فصلی لندن و پاریس گذراند و بعضی مواقع در ظرف‌شویی یک هتل کار می‌کرد. به همراه کارگران معدن روزهایی را در معدن گذراند و در یکی از بیمارستان‌های بی‌لگات پاریس بستری شد و تجربیاتش را درباره هر کدام نوشت. اورول هم مثل خیلی از نویسندگان و روشنفکران اروپایی، در دهه ۱۹۳۰ به اسپانیا رفت تا علیه ارتش فاشیست ژنرال فرانکو بجنگد. او در این جنگ مجروح شد و هیچ وقت کاملاً خوب نشد و همین جراحت به مرگ او انجامید.

در سال‌های اول جنگ جهانی دوم به روزنامه نگاری و نقد کتاب مشغول شد. بعد از نوشتن «قلعه حیوانات» به جزیره جورا در شمال اسکاتلند رفت و مشغول نوشتن رمان مشهور دیگرش شد. اورول در بیستم ژانویه ۱۹۵۰ بر اثر بیماری ریوی از دنیا رفت. به درخواست خودش، پیکرش را سوزانده و خاکسترش را در گورستانی گسنام و برت در دهکده‌ای به نام ساتن کورتینی در نزدیکی آکسفورد به خاک سپردند. بر روی سنگ قبرش نیز هیچ اشاره‌ای به شهرت و نامی که با آن مشهور شد، یعنی جورج اورول نشده است. اورول شش رمان نوشت و سه کتاب بر اساس تجربیات شخصی‌اش منتشر کرد.

جنبه‌های توریستی اورول

خانه‌ای که جورج اورول در هند در آن به دنیا آمد دارد تبدیل به موزه می‌شود. این خانه تا قبل از اینکه به فکر بیفتند آن را تبدیل به موزه کنند خرابه و فراموش شده بود. نیاز به تعمیرات اساسی داشت و باید حیوانات ولگردی را که در آن خانه کرده بودند، بیرون می‌راندند. تعمیر ساختمان این خانه سه ماه تخمین زده شد و مسئولان بازسازی آن گفتند با توجه به اهمیت این خانه ما میل داریم که آن را یک محل محافظت شده اعلام کنیم. دولت هند وعده داده بود



این خانه را تجات دهد اما به وعده‌اش عمل نمی‌کرد بنابراین برای حمایت از این خانه وب سایتی طراحی شد تا علاقه مندان بتوانند به آن کمک مالی کنند. جورج اورول پنج سال از زندگی‌اش را در این خانه گذرانده بود.

خانه‌ای که جورج اورول در تاتینگهیل لندن در آن زندگی می‌کرد هم مورد علاقه گردشگران است. خانه‌ای سفید با پنجره‌های فرابون و خوشبند. خانه‌اش در این منطقه یکی از جاذبه‌های گردشگری در لندن است. خیابان‌ها و میدان‌های بسیاری در شهرهایی که جورج اورول به آن‌ها سفر کرده و در آن‌ها زندگی کرده، به نام او ثبت شده‌اند. نام میدانی در بارسلونای اسپانیا، جورج اورول است. رودخانه‌ای در انگلستان را به نام او نامگذاری کرده‌اند و کافه‌ها، دانشگاه و بیمارستان و هر جایی که او در آن حضور داشته حالا پیش از پیش به سبب بودن او برای علاقه‌مندان مهم هستند. معتبرترین جایزه ادبیات سیاسی در بریتانیا هم جایزه «کتاب اورول» نام دارد.

از مقاله‌های سیاسی تا چای

جورج اورول فقط یک مقاله نویس سیاسی خشک نبود. او مقاله‌ای خواندنی درباره چای به نام «یک فنجان چای دلچسب» دارد و در آن به عادت‌های مردم سرزمین‌های مختلف در نوشیدن چای اشاره می‌کند و می‌گوید که از نظر او شیوه درست چای دم کردن چیست و او نوشته «اول از همه، چای باید چای هندی یا سیلان باشد. چای چینی مزایایی دارد که مخصوصاً این روزها نمی‌توان نادیده گرفت، یعنی ارزان است و می‌شود آن را بدون شیر خورد اما حال چندانی نمی‌دهد، بعد از نوشیدن احساس نمی‌کنید خردمندتر یا دلیرتر یا خوشبین‌تر شده‌اید. در طول تاریخ، هر کس که عبارت آرامش بخش «یک فنجان چای دیش» از دهانش بیرون آمده، به شرس قاطع چای هندی را در نظر داشته است.» بیشتر مقاله‌هایی که او نوشت می‌توانند نام سفرنامه هم به خود بگیرند.

هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره: ۱۱۴ شماره صفحه: ۱۳

تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

{ خانه خالق بینوایان در محله‌ای معروف و تاریخی قرار دارد }

سکونت در بین دیوارهای سفید

فاطمه شاهچراغی

fatemeh@newholidays.ir

محبوب‌تر از سیاستمداران

ویکتور هوگو بزرگ‌ترین شاعر سده نوزدهم فرانسه و شاید بزرگ‌ترین شاعر در گستره ادبیات فرانسه و نیز داستان‌نویس، فرامپوئیس و بنیانگذار مکتب رومانسیسم است. آثار او به بسیاری از اندیشه‌های سیاسی و هنری رایج در زمان خویش اشاره دارد.

او در سال ۱۸۰۲ در فرانسه به دنیا آمد. سال‌های کودکی‌اش را در کشورهای مختلف گذراند. در کالج نجیب‌زادگان، واقع در مادریه اسپانیاد درس خواند و در فرانسه از تعلیم معلم خصوصی بهره‌مند شد. سرودن شعر را از نوجوانی شروع کرد و در هفده سالگی به همراه برادرش نشریه‌ای منتشر کرد و بعد نویسندگی تبدیل به شغل تمام وقتش شد. اولین رمانش را به نام «گوزیشت نوتردام» وقتی ۲۹ ساله بود منتشر کرد و شعرها و رمان‌های بسیاری پس از آن نوشت. ویکتور هوگو برای نوشتن مهم‌ترین رمانش، که درباره دیدختی‌های اجتماعی و بی‌عدالتی بود، برنامه‌ریزی کرد. نوشتن این رمان حدود هفده سال طول کشید و در سال ۱۸۶۲ بود که هوگو آن را با نام بینوایان منتشر کرد. نخست فقط بخش اول رمان با نام «فانتین» منتشر شد، اما با وجود استقبال بی‌نظیر مردم از آن، نویسندگان و منتقدان آن دوران با آن برخورد سردی کردند. با این حال چاپ فصل‌های بعدی و پایان کار با نام «بینوایان» باعث محبوبیت دوچندان هوگو در میان مردم شد. او پس از آن در محبوبیت زیست و در محبوبیت از دنیا رفت.

در فوریه ۱۸۸۱ در آستانه ورود ویکتور هوگو به هشتادسالگی مردم فرانسه بزرگداشت‌های بزرگ را برای او گرفتند. یکی از رزدهای بزرگ سراسر تاریخ فرانسه در آن روز برگزار شد. راهبیمایان، از خیابان ایلاد پاتین شازه لیزه به سمت مرکز پاریس حرکت کردند و شش ساعت این راهبیمایی طول کشید. در مقابل منزل او نیز با سر دادن شعرهای او به هوگو ادای احترام کردند. او در سال ۱۸۸۵ در سن ۸۳ سالگی درگذشت.

ساکن محله لومری

ویکتور هوگو بیش از صد سال است که محبوب است. برای اینکه نویسندگانی مردمی بود و روح زمانه در آثارش جریان داشت، هنوز بعد از این همه سال گردشگران بسیاری با عشق به دیدن آثار به جا مانده از او به فرانسه سفر می‌کنند و در خانه‌اش قدم می‌زنند. خانه این نویسنده در محله‌ای مشهور در پاریس به نام لومری و در میدان وژ قرار دارد.

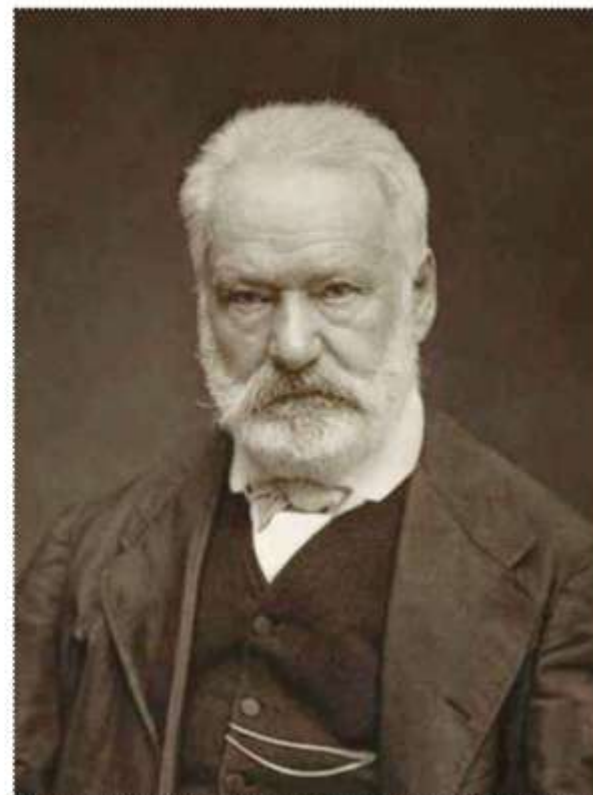
لومری یکی از قدیمی‌ترین محلات پاریس است و محله‌ای مرفه‌نشین که قبلاً نئونمندان در آن خانه‌های بزرگ و کاخ‌های خود را می‌ساختند. لومری تا قرن نوزدهم مرطاب بود و بعد آب آن را خشک کردند و قابل سکونت شد. در سال ۱۹۶۹ این محله به عنوان اولین محله حفاظت شده فرهنگی تاریخی پاریس انتخاب شد.

بر اساس این قانون در چنین محله‌ای شکل ظاهری خیابان از جمله مغازه‌ها، فروشگاه‌ها و ساختمان‌ها باید به شکل تاریخی خود حفظ می‌شود و هرگونه دخل و تصرف در چهره تاریخی این محلات جرم محسوب می‌شود. با اجرای این قانون در طول نزدیک به چهل سال اخیر این محله شکل خاصی به خود گرفته است. به طوری که نما و تابلو مغازه‌ها از ۴۰ سال پیش تاکنون تغییر نکرده اما شغل آن‌ها تغییر کرده است.

خانه ویکتور هوگو در این محله موزه‌ای است که چندسال پیش نمایشگاهی از معروف‌ترین اثر او، بینوایان را به نمایش درآورد و گردشگران بسیاری را به سوی خود کشید. در فرانسه رسم است که محل سکونت و منازل افراد نامدار فرهنگ و هنر این ديار در صورت امکان تبدیل به موزه می‌شود و به جمع بناهای تاریخی سازمان میراث فرهنگی می‌پیوندد.

در خانه تاریخی ویکتور هوگو نمایشگاه‌های بسیاری که مرتبط با این نویسنده و آثار اوست برگزار می‌شود. ویکتور هوگو این خانه سفید را با وسایل و تزئینات چینی آراسته است. او آثار بسیار مهمی مثل کارگران درید الفسان قرن و بینوایان را در این خانه نوشت.

حالا می‌توان به اتاق کار او سرک کشید و در خانه‌ای که او داستان‌هایش را در آن شاخ و برگ می‌داده قدم زد.



زان وازان یکی از مشهورترین شخصیت‌های داستانی در کل جهان است. مرد میانسال فیزیکی که بعد از تحمل ۱۹ سال زندان آزاد می‌شود اما کسی به او جایی برای ماندن نمی‌دهد. به خانه اسقفی پناه می‌برد و اسقف با خوشرویی از او پذیرایی می‌کند اما او نیمه شب طرف‌های نقره اسقف را می‌دزد و فرار می‌کند. بازرس زاوور او را دستگیر می‌کند اما اسقف از خطای او چشم می‌پوشد و به این ترکیب مسیر زندگی زان وازان تغییر می‌کند. بعد کوزت وارد داستان می‌شود. دختر کوچکی که در خانه نثار دبه کلفت است و او را اذیت می‌کنند و عاشق عروسکی به نام امیلی در ویترین مغازه شده. ویکتور هوگو بعد از نوشتن این رمان یعنی «بینوایان» محبوبیت خیلی زیادی در فرانسه و جاهای دیگر جهان پیدا کرد. بینوایان با اینکه نزدیک دویست سال پیش نوشته شده هنوز هم زنده و خواندنی است و نویسندگانش را تبدیل به جادوهای توریستی هم کرده است.



هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره : ۱۱۲ شماره صفحه : ۱۳

تاریخ : ۱۳۹۱/۱۱/۱۴